

بررسی نظرات استادان دانشگاه ها ، حسابداران حرفه ای و قانون گذاران در رابطه با مدیریت سود: مروری بر تحقیقات انجام شده در ایران

دکتر محسن دستگیر^۱

امین ناظمی^۲

وضعیت مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار می گیرد. به منظور این کار ۳۰ مقاله منتشره (که به اعتقاد نویسندگان اکثریت قریب به اتفاق مقالات در این زمینه را در بر می گیرد) انتخاب شده است. علاوه بر آن آیین نامه های بورس اوراق بهادار و قوانین و مقررات موجود مورد بازبینی قرار گرفته است. نتیجه تحقیق نشان می دهد که

علیرغم قوانین و مقررات وضع شده اکثر شرکت های پذیرفته شده در بورس اقدام به مدیریت سود می نمایند.

واژه های کلیدی

کیفیت سود، مدیریت سود، هموارسازی سود



چکیده:

دیچو و دیگران (۲۰۰۰) در مقاله ای به بررسی دیدگاه های استادان دانشگاه ها، حسابداران حرفه ای و قانونگذاران در مورد مدیریت سود پرداختند. به اعتقاد آنها استادان دانشگاه ها در حرفه ای حسابداری اغلب تصورات متفاوتی از مدیریت سود نسبت به حسابداران حرفه ای و قانون گذاران دارند. حسابداران حرفه ای و قانون گذاران اغلب خواهان اقدام عاجل

برای پیش گیری از پدیده در دسر ساز مدیریت سود هستند. ولی استادان حسابداری دانشگاه ها خوش بین تر هستند و معتقدند که شرکت های زیادی اقدام به مدیریت سود خود نمی کنند و این موضوع نگرانی زیادی برای سرمایه گذاران به وجود نمی آورد. در این مقاله ضمن بیان دیدگاه های آنها

استادان حسابداری، قانون گذاران و حسابداران حرفه‌ای با بازنگری دیدگاه‌های خود در مورد مدیریت سود، دید بهتری کسب می‌کنند. در این مقاله دو موضوع عمده مورد بررسی قرار می‌گیرد. ابتدا تعریف و نحوه اندازه‌گیری مدیریت سود مطرح می‌شود. بدون یک تعریف شفاف و کاربردی از مدیریت سود، شناسایی شرکت‌هایی که مدیریت سود می‌نمایند، کار آسانی نخواهد بود. سپس این موضوع که نتایج بدست آمده از تحقیقات به چه دستاوردهایی تاکنون رسیده است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دیچو و دیگران (۲۰۰۰) معتقدند یکی از درس‌هایی که می‌توان از تحقیقات دانشگاهی در این زمینه گرفت این است که اندازه‌گیری مدیریت سود در تحقیقات نتوانسته در عمل مفید باشد و مورد استفاده قرار گیرد. اعتقاد بر این است که راه حل بهتری برای شناسایی شرکت‌های مدیریت کننده سود وجود دارد و آن تمرکز بر انگیزه‌های مدیران است. اعتقاد بر این است که محققین باید بیشتر بر روی انگیزه‌های افراد در بازار سرمایه متمرکز شوند، در ایران مطالعات حساس یگانه (۱۳۸۴)، حاجیوند (۱۳۷۶)، پورحیدری و افلاطونی (۱۳۸۵)، خوش‌طینت و فانی (۱۳۸۲)، پورحیدری و همی (۱۳۸۳) که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود از این دسته‌اند. دیچو و دیگران (۲۰۰۰) معتقدند که روند فزاینده ارزش‌گذاری سرمایه، که براساس معیارهای حسابداری نظیر سود و ارزش دفتری انجام می‌شود، در دهه ۱۹۹۰ موجب افزایش اهمیت طرح‌های پاداش مبتنی بر اعطای سهام به مدیران شده است و مدیران حساسیت بیشتری به قیمت سهام شرکت و ارقام اصلی حسابداری نظیر سود شرکت‌ها نشان می‌دهند. در نتیجه تمایل مدیران برای حفظ و بهبود ارزش سهام شرکت از طریق مدیریت سود افزایش یافته است. این موضوع یکی از دلایل اصلی تمرکز و توجه به پدیده مدیریت سود می‌باشد.

در ایران با ارایه نتایج تحقیقات اخیر در این زمینه نشان داده می‌شود که پدیده مدیریت سود در شرکت‌های زیادی انجام می‌شود. مابقی بخش‌های مقاله به صورت زیر است. در

درسال‌های اخیر تعداد مقالاتی که در زمینه مدیریت و کیفیت سود نوشته شده رو به افزایش گذاشته است. این موضوع را می‌توان با نگاهی در نشریات و پایگاه‌های اطلاعاتی علمی خارجی و داخلی مشاهده نمود.^۱ دیچو و دیگران (۲۰۰۰) با انجام تحقیقی به این نتیجه رسیدند که استادان دانشگاه نگرش متفاوتی نسبت به افراد حرفه‌ای و قانون گذاران حسابداری دارند. به اعتقاد آنها چندین دلیل برای این موضوع وجود دارد: اول آنکه استادان دانشگاه بیشتر تمایل دارند تا به کلی‌گویی در زمینه مدیریت سود بپردازند و نمونه‌های زیادی از شرکت‌ها را انتخاب می‌کنند و از این رو از روش‌های آماری استفاده می‌کنند که لزوماً معیار مناسبی در شناسایی مدیریت سود شرکت‌ها نیست. به بیان دیگر روش‌های تحقیق فعلی جوابگوی کسب معیار لازم برای شناسایی مدیریت سود نیست. برعکس حسابداران حرفه‌ای و مخصوصاً نهادهای قانون گذار اقدام به بررسی پدیده‌های واقعی مدیریت سود می‌نمایند؛ زیرا هدف آن‌ها متفاوت از استادان دانشگاه است.

دوم آن که استادان دانشگاه اقدام به بررسی نمونه‌های خاص و انگیزه‌های مدیریت در این زمینه می‌نمایند. — گونه‌ای که: ۱- این موارد زیاد مورد توجه حسابداران حرفه‌ای نیست و ۲- تحقیقات گذشته نگر نمی‌تواند به منظور شناسایی مدیریت سود زیاد پربار باشد.

به اعتقاد آنها حسابداران حرفه‌ای (مخصوصاً در سال‌های اخیر) تمایل دارند تا به انگیزه افراد در بازارهای سرمایه توجه نمایند، به عنوان مثال آنها معیاری نظیر دستیابی شرکت‌ها به پیش‌بینی تحلیل‌گران را مد نظر قرار می‌دهند. سوم آن که استادان دانشگاه و حسابداران حرفه‌ای دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به موضوع منطقی بودن سرمایه گذاران و به واسطه آن بی‌تاثیر شدن انگیزه‌های مدیریت سود در قالب گزارش‌های مالی شرکت‌ها دارند. به عنوان مثال استادان دانشگاه با استناد به فرضیه بازار کارا معتقدند که مدیریت سود به واسطه افشای کامل اطلاعات، برای سرمایه گذاران مشکل قابل توجهی ایجاد نمی‌کند.

بخش بعدی ما این سوال را مطرح می‌کنیم: چرا مدیریت سود انجام می‌شود؟ در بخش دوم به تحقیقاتی اشاره می‌شود که در آن مدیر به منظور دستیابی به سود شخصی و یا تامین سرمایه مورد نیاز شرکت تمایل به مدیریت سود دارد و سپس این سوال مطرح می‌شود که آیا دست‌اندرکاران بازار به واسطه ارقام ارایه شده توسط مدیر گمراه می‌شوند.

چرا مدیریت سود انجام می‌شود؟

قبل از تعریف مدیریت سود به نقش ارقام تعهدی در حسابداری پرداخته می‌شود. زیرا تشخیص و تفکیک مدیریت سود (نظیر هموار سازی سود) نسبت به بکارگیری صحیح ارقام تعهدی حسابداری به راحتی امکان پذیر نیست.

هدف از حسابداری بر مبنای تعهدی چیست؟

عبارات زیر اهداف گزارشگری مالی و ارتباط آن با حسابداری بر مبنای تعهدی را نشان می‌دهد. این موضوعات از بیانیه مفاهیم حسابداری مالی هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا گرفته شده است:

"حسابداری بر مبنای تعهدی تاثیر مالی معاملات و سایر رویدادهای واحد تجاری را، که دارای آثار نقدی در طول یک دوره است، ثبت و ضبط می‌کند (هیات استانداردهای حسابداری مالی بیانیه مفاهیم شماره ۹، بند ۱۳۹). به این موضوع در مفاهیم نظری استانداردهای حسابداری ایران نیز اشاره شده است.

در حسابداری بر مبنای تعهدی از ارقام تعهدی^۱ و روش‌های تخصیص با هدف تطابق درآمدها، هزینه‌ها، سودها و زیان‌های نقدی در یک دوره استفاده می‌شود و به انعکاس دریافت‌ها و پرداخت‌های نقدی بستند نمی‌شود. در نتیجه شناسایی درآمدها، هزینه‌ها، سودها و زیان‌ها و افزایش و کاهش‌های مربوط در دارایی‌ها و بدهی‌ها - شامل تطابق درآمدها و هزینه‌ها، تخصیص و استهلاک - اساس حسابداری تعهدی برای سنجش عملکرد شرکت است (هیات استانداردهای حسابداری مالی، ۱۹۸۵، بیانیه مفاهیم

حسابداری شماره ۶، بند ۱۴۵).

بنابراین هدف اولیه حسابداری تعهدی کمک به سرمایه‌گذاران در ارزیابی عملکرد اقتصادی یک شرکت در طول یک دوره از طریق استفاده از اصول حسابداری نظیر تطابق و شناسایی سود می‌باشد. شواهدی وجود دارد که بر آن اساس، در نتیجه بکارگیری ارقام تعهدی، سود حسابداری هموارتر از جریان‌های نقدی مربوط به آن است (ارقام تعهدی ارتباط منفی با جریان‌های نقدی مربوطه دارند) و سود اطلاعات بهتری نسبت به جریان‌های نقدی برای سنجش عملکرد اقتصادی شرکت فراهم می‌آورد (دیچو، ۱۹۹۴ و ظریف فرد و ناظمی (۱۳۸۳) دیچو و دیگران (۲۰۰۰) بر اساس این موضوع چندین سوال را مطرح می‌کنند:

۱- مدیریت شرکت چقدر می‌تواند با بکارگیری ارقام تعهدی به سرمایه‌گذاران کمک نماید تا "انتظارات عقلایی" خود را درباره عملکرد شرکت شکل دهند و در چه زمانی چنین فعالیتی منجر به مدیریت سود می‌شود؟

۲- با توجه به این موضوع و این که انتخاب ارقام تعهدی با هدف هموار نمودن سود حسابداری نسبت به جریان‌های نقدی مربوط انجام می‌شود، در چه زمانی اختیار مدیر و اعمال آن منجر به مدیریت سود می‌شود؟ برحسب تجربه و ماهیت مشخص شده است که نوسانات مربوط به جریان‌های نقدی به واسطه ارقام تعهدی حسابداری کاهش خواهد یافت و اطلاعات مفیدتری نسبت به جریان‌های نقدی عملیاتی جاری برای سرمایه‌گذاران، برای ارزیابی عملکرد اقتصادی و پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی، ارایه می‌شود (به عنوان نمونه می‌توان مطالعات مشایخی و دیگران (۱۳۸۴) و مشایخ و اسماعیلی (۱۳۸۵) را ملاحظه نمود). بنابراین قبل از ارزیابی به منظور مشخص ساختن هموار سازی از مدیریت سود بایستی تعریفی داشته باشیم که نقطه تمایز میان آن‌ها را مشخص سازد. به بیان دیگر نقطه‌ای تعریف شود که بر آن اساس هموار سازی "بیش از اندازه" ارقام تعهدی منجر به مدیریت سود می‌شود.

تعریف مدیریت سود

به منظور ارایه یک تعریف عمومی از مدیریت سود می‌توان به تعاریف قبلی مربوط به مطالعات دانشگاهی گذشته اشاره کرد:

شیر (۱۹۸۹، ص ۹۲): هدفمند در فرایند زارشگری مالی برون سازمانی به قصد کسب منافع شخصی (در مقابل رویکرد بیطرفانه)...

هیلی و وال (۱۹۹۹، ص ۳۶۸): «مدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که مدیران از قضاوت در گزارشگری مالی استفاده کنند و معاملات را طوری ترتیب دهند که گزارشات مالی موجب گمراهی برخی افراد ذینفع شود و یا نتایج توافقات مبتنی بر ارقام حسابداری تحت تاثیر قرار گیرد.»

اگرچه این تعاریف به میزان زیادی مورد پذیرش قرار گرفته اما عملیاتی کردن آن‌ها با استفاده از ارقام حسابداری کار دشواری است. زیرا موضوع اصلی نیت و انگیزه مدیر است که قابل مشاهده نیست. با نگاهی به جامعه حرفه‌ای حسابداری ملاحظه می‌شود که تعریف روشنی از مدیریت سود در بیانیه‌ها و یا استانداردها و سخنرانی‌ها وجود ندارد. اگرچه برای حد نهایی مدیریت سود که همانا تقلب محسوب می‌شود تعریف مشخصی (برحسب انگیزه مدیر) وجود دارد که به صورت زیر است:

«تقلب» عبارتست از هرگونه اقدام عمدی یا فریبکارانه یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص غیرقانونی. هدف برخی از تقلبات ممکن است تحریف صورت‌های مالی نباشد. تقلبی که با دخالت یک یا چند نفر از مدیران واحد مورد رسیدگی روی می‌دهد به عنوان «تقلب مدیران» و تقلبی که تنها توسط کارکنان واحد مورد رسیدگی صورت می‌پذیرد به عنوان «تقلب کارکنان» نامیده می‌شود. در هر دو حالت، ممکن است تبانی با اشخاص ثالث خارج از واحد مورد رسیدگی نیز وجود داشته باشد. (استاندارد حسابرسی، ۱۳۸۵، شماره ۲۴، بند ۴).

به نظر دیچو و دیگران (۲۰۰۰) اظهارات گزارش‌های اخیر قانون‌گذارانی نظیر کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا

نشان می‌دهد که آنها مدیریت سود را گسترده‌تر از تعریف تقلب مالی می‌دانند. انتخاب روش‌های گزارشگری مالی که تخطی آشکار از اصول پذیرفته شده حسابداری باشد در حیطه تقلب و مدیریت سود قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد در پاره‌ای اوقات انتخاب روش‌های منظم بر اساس اصول پذیرفته شده حسابداری نیز می‌تواند مدیریت سود محسوب شود. در ایران نیز تعریف روشنی از مدیریت و هموارسازی سود از طرف مقامات قانون‌گذار و بورس اوراق بهادار تهران ارایه نشده است. بر اساس آیین نامه انطباقی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس مصوب شورای بورس در سال ۸۴ شرکت‌های پذیرفته شده باید بودجه و صورت پیش بینی عملکرد سالانه خود را به گونه‌ای تهیه کنند که تفاوت عمده غیر قابل توجهی با نتایج واقعی به تشخیص «سازمان» یا «حسابرس» نداشته باشد. انتشار استاندارد حسابرسی ۳۴۰ با عنوان «رسیدگی به اطلاعات مالی آتی» نیز در راستای بهبود کیفیت اطلاعات پیش بینی شده شرکت‌ها به نظر می‌رسد.

این نکته که مدیریت سود می‌تواند در دامنه اصول پذیرفته شده حسابداری رخ دهد مطابق با تعریف مطرح شده توسط استادان دانشگاهی است. البته این که مدیریت سود همانند تقلب مالی تلقی شود و بر آن اساس مدیر و شرکت مورد مجازات قرار گیرند (مثلاً از طریق اقدامات قانونی کمیسیون بورس اوراق بهادار) کمی عجیب به نظر می‌رسد. به بیان دیگر این سوال مطرح می‌شود که آیا هموارسازی که منجر به مدیریت سود می‌شود همانند تقلب است و به یک شکل باید با آن برخورد شود؟ در نگاره شماره ۱ وجه تمایز تقلب و مدیریت سود نشان داده شده است. در این جدول به مواردی اشاره شده است که مصداق تقلب می‌باشد و مواردی که مدیر مجاز است از اختیارات خود برای بکارگیری روش‌های حسابداری معینی بهره بگیرد. نکته اصلی در این جدول آن است که یک وجه تمایز ساختاری میان رویه‌های حسابداری تقلب آمیز و قضاوت‌ها و برآورده‌های مجاز بر اساس اصول پذیرفته شده حسابداری با هدف مدیریت سود وجود دارد.

اما واقعیت این است که در بسیاری از موارد تشخیص مدیریت سود کار دشواری است و شواهد عینی در این زمینه انگیزه و نیت مدیر برای تفکیک فعالیت های متقلبانه و یافت نمی شود.

نگاره ۱- تمایز بیان ثقلب و مدیریت سود (دیچو و دیگران، ۲۳۹:۲۰۰۰):

<p>انتخاب جریان های نقدی « واقعی » بر اساس اصول پذیرفته شده حسابداری</p>	<p>انتخاب های حسابداری</p>	
<p>فروش با تاخیر، تسریع در شناسایی مخارج تحقیق و توسعه و تبلیغات معوق نمودن مخارج تحقیق و توسعه یا تبلیغات شتاب بخشیدن به فروش</p>	<p>شناسایی بیش از اندازه ذخایر و اندوخته ها ارزش گذاری بیش از میزان واقعی مخارج و تحقیق و توسعه در حال انجام مربوط به تحصیل واحدهای تجاری ارائه بیش از حد مخارج تجدید سازمان و کنار گذاری دارایی ها سودی که در نتیجه فعالیت های بی طرفانه بدست آمده است کمتر از واقع نشان دادن ذخایر مربوط به بدحسابیهای مشتریان کمتر نشان دادن ذخایر یا اندوخته ها به گونه غیر محافظه کارانه <u>تخلف از اصول پذیرفته شده</u> <u>حسابداری</u> : ثبت فروش پیش از تحقق آن ثبت فروش های موهوم ثبت فاکتورهای فروش در تاریخ های پیش از فروش واقعی زیاده از حد نشان دادن موجودی کالا با ثبت کالاهای موهوم.</p>	<p>حسابداری "محافظه کارانه" سود « بیطرفانه » حسابداری « غیر محافظه کارانه» حسابداری متقلبانه</p>

دارد. شرکت‌هایی که هموارسازی سود را انجام می‌دهند به طور میانگین بازده غیر عادی بیشتری دارند.

قائمی و قیطاسوند (۱۳۸۲) نشان دادند که تاثیر هموارسازی سود اثری بر بازده غیر عادی شرکت‌ها ضعیف است. خواجهی و ناظمی (۱۳۸۴) نیز نشان دادند که میانگین بازده (عادی و غیر عادی) شرکت‌ها تحت تاثیر میزان ارقام تعهدی و اجزای مربوطه قرار نمی‌گیرد. این تحقیقات از معدود مطالعاتی محسوب می‌شوند که نشان از ارتباط ضعیف میان متغیرهای معرف هموارسازی سود و متغیرهای بازار دارند.

علامه حائری (۱۳۷۷) در تحقیق خود و با انتخاب درصد انحرافات تغییرات واقعی سود از روند خود به عنوان معیار نهایی شناسایی هموارسازی سود به نتایج زیر رسید:

۱. هموارسازی سود با افزایش قیمت سهام همبستگی مثبت دارد.
۲. همبستگی بین اندازه و نوع صنعت هموارسازی سود وجود ندارد.
۳. سود دهی هموارسازی همبستگی مثبت دارد.

ثقفی و کردستانی (۱۳۸۳) با بررسی ۵۰ شرکت در بین سالهای ۷۰-۸۱ نشان دادند که اولاً واکنش بازار به افزایش (کاهش) سود نقدی شرکت‌ها برخلاف پیش بینی (مطابق با پیش بینی) مثبت است. ثانیاً بازده غیر عادی سهام با افزایش (کاهش) سود نقدی و غیر منتظره افزایش (کاهش) می‌یابد.

ابراهیمی و حسنی آذر (۱۳۸۵) با بررسی ۳۰ شرکت عرضه کننده اولیه سهام در بین سال‌های ۷۸ تا ۸۰ نشان دادند که مدیران، سود شرکت‌ها را در سال قبل از عرضه اولیه و سال عرضه اولیه سهام به عموم، مدیریت می‌کنند. همچنین آنها نشان دادند که بین ارقام تعهدی جاری اختیاری سال اول شرکت‌ها و عملکرد بلند مدت قیمت سهام در سه سال آتی رابطه مثبت وجود دارد.

تحقیقات بازار سرمایه در ایران چه نتایجی در مورد مدیریت سود نشان داده‌اند؟

در ایران تحقیقات بازار سرمایه تاکنون در پنج حوزه به صورت خاص انجام شده است. با در نظر گرفتن نتایج مقاله منتشر شده و پایان نامه دانشگاهی می‌توان این طبقه بندی را به صورت زیر ارائه نمود:

۱. تحقیقاتی که به دنبال بررسی ارتباط میان هموارسازی سود، و قیمت و بازده سهام بوده‌اند.
 ۲. تحقیقاتی که عوامل موثر بر هموارسازی سود را بررسی می‌کنند.
 ۳. تحقیقاتی که به دنبال بررسی انگیزه‌های هموارسازی سود بوده‌اند.
 ۴. تحقیقاتی که کیفیت سود و نقش ارقام تعهدی در این زمینه را ارزیابی کرده‌اند.
 ۵. تحقیقاتی که هموارسازی سود را از دید فرهنگ و استاندارد گذاری بررسی نموده‌اند.
- در ادامه به صورت خلاصه به اهم نتایج بدست آمده در این زمینه‌ها اشاره می‌شود:

تحقیقاتی که به دنبال بررسی ارتباط میان هموارسازی سود، قیمت و بازده سهام بوده‌اند.

این نوع تحقیقات به دنبال بررسی این موضوع بوده‌اند که آیا استفاده کنندگان از صورت‌های مالی موضوع هموارسازی سود را مد نظر قرار می‌دهند و آن گاه به کمک آن تصمیم‌گیری می‌نمایند؟ به منظور اندازه‌گیری میزان هموارسازی سود از معیارهای متعددی استفاده می‌شد. خواجهی و ناظمی (۱۳۸۴) این روش‌ها را به صورت نگاره ۲ مطرح نمودند.

تحقیقات مبتنی بر متغیرهای بازار

شریعت پناهی و سمایی (۱۳۸۳) با بررسی ۴۴ شرکت در طی سالهای ۷۷-۸۰ نشان دادند که بین هموارسازی سود و بازده تعدیل شده بر اساس ریسک رابطه‌ی معنی داری وجود

نگاره ۲- چارچوب و معیار ارزیابی کیفیت سود (بر گرفته شده از خواجهوی و ناظمی، ۱۳۸۴:۴۰)

مطالعات انجام شده در ایران	اجزای مربوط	معیار ارزیابی
ثقفی و کردستانی (۱۳۸۳)، نوروش و دیگران (۱۳۸۵) ثقفی و کردستانی (۱۳۸۳) پورحیدری و افلاطونی (۱۳۸۵)	۱- پایداری سود ۲- قابلیت پیش‌بینی ۳- نوسان‌پذیری	۱- سری زمانی خصوصیات سود
مشایخی و صفری (۱۳۸۵)، مشایخی و دیگران (۱۳۸۴) مشایخ و اسماعیلی (۱۳۸۵) نوروش و دیگران (۱۳۸۵) خواجهوی و ناظمی (۱۳۸۴)	۱- نسبت وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی به سود ۲- تغییر در کل ارقام تعهدی ۳- پیش‌بینی ارقام تعهدی غیرعادی به کمک متغیرهای حسابداری ۴- پیش‌بینی روابط بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی	۲- روابط بین سود، ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی
تحقیقی تاکنون انجام نشده است	مربوط بودن، قابلیت اتکا	۳- ویژگی‌های کیفی چارچوب نظری (FASB)
تحقیقی تاکنون انجام نشده است ونوس و دیگران (۱۳۸۵)	رابطه معکوس بین پیش‌بینی و قضاوت در گزارشگری و کیفیت سود میزان منفعتی که تهیه‌کنندگان اطلاعات از قضاوت و پیش‌بینی خواهند برد (رابطه معکوس بین کیفیت سود و تغییر کاربری استانداردهای حسابداری)	۴- تأثیرگذاری در تصمیم

تحقیقاتی که عوامل موثر بر هموارسازی سود را بررسی می‌کنند

به اعتقاد باباپور (۱۳۸۰) ۱۳۶ شرکت نمونه‌ای که از میان یک دوره زمانی ۱۳۷۰-۱۳۷۷ انتخاب شده اند به هموار سازی سود اقدام نمی‌ورزند و اصولاً هموارسازی سود به نوع صنعت بستگی ندارد. این موضوع بر خلاف نتایج قائمی و قیطاسوند (۱۳۸۲) است که در آن عامل صنعت و عامل افزایش سرمایه توأم با هموارسازی از عوامل موثر بر بازده

غیرعادی شرکت‌های بورسی محسوب می‌شدند. جهان خانی و بدری (۱۳۸۱) با تاکید بر این موضوع که رفتار هموارسازی سود در جامعه مورد مطالعه وجود دارد از متغیرهای اندازه شرکت، نسبت سود آوری، نوع صنعت، نوع مالکیت و نوع قیمت‌گذاری محصولات برای شناسایی عوامل موثر بر هموارسازی سود استفاده کردند. نتایج نشان داد که نسبت سودآوری عاملی موثر بر هموارسازی سود می‌باشد و شرکت‌های برخوردار از سودآوری پایین، تمایل بیشتری به

معتقدند که با افزایش اندازه شرکت‌ها، مدیریت انگیزه بیشتری جهت افزایش سود در جهت ارزیابی تصویر بهتر از عملکرد خود به سهام داران و مسوولین دارند. شرکت‌هایی که از تعداد بیش‌تری کارمند برخوردارند فشارهای سیاسی وارده بر آنها نیز بیشتر است. در نتیجه مدیریت این گونه واحدها جهت کاهش فشار وارده اقدام به کاهش سود می‌نمایند. در نهایت این که ارتباط معنی داری میان متغیرهای پاداش و مالکیت و دستکاری سود ملاحظه نشده است.

تحقیقات که کیفیت سود و نقش ارقام تعهدی را در این زمینه ارزیابی کرده‌اند.

خواجوی و ناظمی (۱۳۸۴) در تحقیق خود در تلاش برای بررسی ارتباط میان ارقام تعهدی و کیفیت سود نشان دادند که میانگین بازدهی شرکت‌هایی که ارقام تعهدی آنها به کمترین و بیش‌ترین میزان گزارش می‌شوند اختلاف معنی داری وجود ندارد.

نوروش و دیگران (۱۳۸۵) در ادامه این تحقیق و به منظور بررسی خطای در برآورد ارقام تعهدی به عنوان ابزاری برای ارزیابی کیفیت سود با استفاده از ویژگی‌های منتخب هر شرکت (نظیر اندازه، میزان فروش، چرخه عملیاتی، و نوسان در اجزای ارقام تعهدی) نشان دادند که تغییرات در سرمایه در گردش (غیر نقدی) را می‌توان به عنوان ابزاری برای ارزیابی کیفیت سود به کار برد.

تحقیقاتی که هموارسازی سود را از دید فرهنگ و استانداردها گذاری بررسی نموده‌اند

نوروش و سپاسی (۱۳۸۴) در تلاش برای یافتن ارتباط میان فرهنگ و هموارسازی سود نشان دادند که عوامل فرهنگی نقش تعیین‌کننده‌ای در هموارسازی سود در ایران دارند.

نوس و دیگران (۱۳۸۵) مشاهده نمودند که هموارسازی سود در شرکت‌هایی که سود حاصل از فروش سرمایه‌گذاری آنها غیر صفر بوده، مشاهده می‌شود. نتیجه دیگری که آنها از این مطالعه گرفته‌اند این است که ارزش بازار و قاعده اقبل

هموارسازی سود دارند. اما در عین حال سایر عوامل تأثیری بر هموارسازی سود نداشته‌اند.

نوروش و دیگران (۱۳۸۴) با استفاده از پارامترهای اندازه، نسبت بدهی به سرمایه و نرخ موثر مالیات برای اندازه‌گیری سود نشان دادند که با بزرگتر شدن شرکت‌ها تمایل مدیران به مدیریت سودشان بیشتر خواهد بود. همچنین انگیزه مدیریت سود با افزایش بدهی بیشتر می‌شود و آنها از ارقام تعهدی برای کمتر کردن مالیات شرکت‌هایشان استفاده می‌نمایند.

تحقیقاتی که به دنبال بررسی انگیزه‌های هموارسازی سود هستند.

حاجیوند (۱۳۷۶) در بررسی خود در بین سال‌های ۷۲ تا ۷۴ در میان شرکت‌های سیمان نشان داد که:

- هدف مدیریت از دستکاری سود، افزایش منافع شخصی مدیر است.

- مدیران شرکت‌های مورد تحقیق، تصور درستی از معیارهای تعیین ارزش و عملکرد مطلوب ندارند.

- به دلیل پراکندگی سهام داران، آنها دخالت جدی در امور شرکت ندارند و در نتیجه مدیر به دنبال منافع خود است.

- قرار دادن سود و فروش به عنوان معیار پرداخت پاداش به مدیران، سبب همسویی منافع آنها با سهام داران نمی‌شود.

در صورت معیار بودن سود برای پرداخت پاداش، مدیریت از طریق روش‌های حسابداری و سایر تکنیک‌ها به دستکاری سود می‌پردازد.

خوش طینت و خانی (۱۳۸۲) نیز نشان دادند پرداخت پاداش بر مبنای سود نمی‌تواند اقدام صحیحی در جهت همسوسازی منافع مدیران و سایر گروه‌ها از جمله مالکان باشد.

در تحقیق دیگری پورحیدری و افلاطونی (۱۳۸۵) در طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ نشان دادند که هموارسازی سود با استفاده از ارقام اختیاری توسط مدیران شرکت‌های ایرانی صورت می‌گیرد و مالیات بردرآمد و انحراف در فعالیت‌های عملیاتی محرک‌های اصلی برای هموار نمودن سود با استفاده از ارقام اختیاری می‌باشند. پورحیدری و همتی (۱۳۸۳)

نکته مهمی که می توان به آن اشاره نمود این است که انگیزه مدیران، عامل مهمی در هموارسازی و مدیریت سود محسوب می شود. از این رو تمایز میان تقلب و مدیریت سود به روشنی مشخص نیست.

نکته دیگر این که در مطالعات انجام شده که تاکنون همگی از جامعه دانشگاهی منتشر شده موضوع مدیریت سود در شرکت های ایرانی پذیرفته شده در بورس نشان داده شده است. اگر چه ابعاد مختلفی از این موضوع در تحقیقات مورد بررسی قرار گرفته است اما چنین به نظر می رسد که کمی مطالعات انجام شده به همراه نتایج متناقض، زمینه را برای انجام مطالعات آتی فراهم آورد.

در نهایت این که عدم توجه نهادهای استانداردگذار و قانون گذار به موضوع مدیریت سود به اعتقاد نویسندگان می تواند حکایت از این موضوع داشته باشد که این موضوع از دید آنها چندان جدی نیست. این امکان نیز وجود دارد که آنها معتقدند وجود روش های نظارتی برای پیشگیری از تخلفات در قالب مدیریت سود کافی به نظر می رسد. پیشنهاد می شود در مطالعات آتی با انجام مطالعات پیمایشی نظرات مدیران سهامداران قانون گذاران استانداردگذاران و افراد ذینفع کسب و از آن به دلایل احتمالی فوق پاسخ مناسبی داده شود.



پی نوشت

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران

۲- دانشجوی دوره دکتری حسابداری دانشگاه تهران

۳- به عنوان مثال با بررسی مجلات علمی پایگاه Proquest از واژه های earnings quality و earnings management تعداد ۵۲۴ مقاله در بین سال های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ منتشر شده است)

4- accrual& deferral

5- Variability

◀ منابع

ابراهیمی کردلر، علی و الوهام حسنی آذر (۱۳۸۵). بررسی مدیریت سود در زمان عرضه اولیه سهام به عموم در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۴۵، ۳-۲۳.

بهای تمام شده و خالص ارزش فروش برای سرمایه گذاری های سریع معامله منطقاً ابزاری برای هموارسازی و دستکاری سود به شمار می رود.

خلاصه

به طور خلاصه می توان مهمترین نتایج تحقیقات انجام شده را به صورت زیر بیان نمود:

۱. می توان رابطه معنی داری میان شاخص های هموارسازی سود و متغیرهای بازار مشاهده نمود.
۲. اندازه شرکت ها و مالیات بر درآمد عامل تاثیر گذاری بر هموارسازی شرکت ها است.
۳. سایر متغیرها نتایج مشخصی در میان محققین از خود نشان نداده است.

سایر تحقیقات

تعدادی از تحقیقات، ابعاد مختلف کیفیت سود در بازار بورس ایران را مورد آزمون قرار دادند. به عنوان مثال نوروش و مجیدی (۱۳۸۴) با بررسی شرکت های نمونه در بین سال های ۱۳۷۸-۱۳۸۲ نشان دادند که کیفیت سود و هزینه سرمایه رابطه عکس دارد.

یزدانی (۱۳۸۵) با استفاده از ۱۲۶ شرکت در طی سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ نشان داد که خالص دارایی های عملیاتی به عنوان عامل محدود کننده مدیریت سود، امکان هموارسازی سود در سال های متوالی را محدود می نماید.

کرمی و دیگران (۱۳۸۵) در بین سال های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۳ رابطه معنی داری میان کیفیت سود و افزایش سرمایه از محل مطالبات مشاهده نکردند.

مشایخ و اسماعیلی (۱۳۸۵) میان کیفیت سود و درصد مالکیت اعضای هیات مدیره و تعداد اعضای غیر موظف هیات مدیره رابطه معنی داری نیافتند.

نتیجه گیری

در این مقاله به بررسی نظرات و یافته های استادان حسابداری و قانون گذاران / حسابداران حرفه ای پرداخته شد.

تاثیر هموارسازی سود بر بازده سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی های حسابداری و حسابرسی ۳۳،

کرمی، غلامرضا، کامران تاجیک، و محمد تقی مرادی (۱۳۸۵).
بررسی رابطه بین کیفیت سود و افزایش سرمایه از محل مطالبات سهام داران در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران،
بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۴۴، ۷۱-۸۴.

کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی (۱۳۸۵).، استانداردهای
حسابرسی، سازمان حسابرسی، چاپ ششم.

مشایخ، شهناز و مریم اسماعیلی (۱۳۸۵). "بررسی رابطه بین کیفیت
سود و برخی از جنبه های اصول راهبردی در شرکت های پذیرفته شده
در بورس تهران"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۴۵، ۲۵-۴۴.

مشایخی، بیبا و مریم صفری (۱۳۸۵). "وجه نقد ناشی از عملیات و
مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"،
بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۴۴، ۳۵-۵۴.

مشایخی، بیبا، ساسان مهرانی، کاوه مهرانی، و غلامرضا کرمی
(۱۳۸۴). "نقش اقلام تعهدی در مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده
در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۴۲،
۷۴-۶۱.

نوروش، ایرج و سحر سپاسی (۱۳۸۴). "بررسی رابطه ارزش های
فرهنگی با هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس
تهران"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۴۰، ۸۱-۹۶.

نوروش، ایرج، سحر سپاسی، و محمدرضا نیکبخت (۱۳۸۴). "بررسی
مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران"، مجله علوم
اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۴۳، ۱۶۵-۱۷۷.

نوروش، ایرج و رضا مجیدی (۱۳۸۴). "بررسی رابطه بین کیفیت
سود و هزینه سرمایه در شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران"،
حسابداری برق، ۴۳، ۱-۲.

نوروش، ایرج، امین ناظمی، و مهدی حیدری (۱۳۸۵). "کیفیت اقلام
تعهدی و سود با تاکید بر نقش خطای برآورد اقلام تعهدی"، بررسی های
حسابداری و حسابرسی، ۴۳، ۱۳۵-۱۶۰.

ونوس، داور، غلامرضا کرمی، غلامرضا و کامران تاجیک (۱۳۸۵).
بررسی هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق
بهادار تهران با استفاده از استاندارد حسابداری شماره ۱۵ (حسابداری
سرمایه گذاری ها)، مقاله انگلیسی، بررسی های حسابداری و
حسابرسی، ۴۳، ۱۶۱-۱۸۰.

یزدانی، آزاده (۱۳۸۵). "نقش ترازنامه در محدود کردن مدیریت سود
در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پایان نامه

باباپور، عارف (۱۳۸۰). "عوامل موثر بر هموارسازی سود در
شرکت های پذیرفته شده در بورس"، ضمیمه پژوهشی بورس، ۲۴،
۶۳-۷۰.

پورحیدری، امید و داوود همتی (۱۳۸۳). "بررسی اثر قراردادهای
بدهی، هزینه های سیاسی، طرح های پاداش و مالکیت بر مدیریت سود
در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی های
حسابداری و حسابرسی، ۳۶، ۴۷-۶۳.

پورحیدری، امید و عباس افلاطونی (۱۳۸۵). "بررسی انگیزه های
هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار
تهران". بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۴۴، ۵۵-۷۰.

ثقفی، علی و غلامرضا کردستانی (۱۳۸۳). "بررسی و تبیین رابطه بین
کیفیت سود و واکنش بازار به تغییرات سود نقدی"، بررسی های
حسابداری و حسابرسی، ۳۷، صص ۷۲-۵۱.

جهان خانی، علی و احمد بدری (۱۳۸۱). "شناسایی عوامل موثر بر
هموارسازی سود"، پیام مدیریت، ۲، ۴۹-۷۵.

حاجیوند، (۱۳۷۶). "بررسی انگیزه های هموارسازی سود در
شرکت های سیمان پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پایان
نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

حساس یگانه، یحیی (۱۳۸۴). "انگیزه های مدیریت برای
هموارسازی سود شرکت ها"، مشاور مدیریت، ۸، ۲۶-۲۹.

خواجوی، شکرالله و امین ناظمی (۱۳۸۴). "بررسی ارتباط بین
کیفیت سود و بازده سهام با تاکید بر نقش ارقام تعهدی در بورس اوراق
بهادار تهران"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۴۰، ۳۷-۶۰.

خوش طینت، محسن و عبدالله خانی (۱۳۸۲). "مدیریت سود و
پاداش مدیران، مطالعه ای جهت شفاف سازی اطلاعات مالی"، مطالعات
حسابداری، ۳، ۱۲۷-۱۵۳.

شریعت پناهی، مجید و حسین سمایی (۱۳۸۳). هموارسازی سود و
بازده تعدیل شده بر اساس ریسک، تدبیر، ۱۴۶، ۵۲-۵۶.

ظریف فرد، احمد و امین ناظمی (۱۳۸۳). "بررسی نقش سود
حسابداری و جریان های نقدی در سنجش عملکرد شرکت های پذیرفته
شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی های حسابداری و حسابرسی،
صص ۱۱۹-۹۳.

علامه حائری، فریدالدین (۱۳۷۷). "بررسی میزان ارتباط بین
هموارسازی سود و ثروت سهامداران (ارزش سهام در بازار بورس) در
شرکت های عضو بازار بورس تهران"، رساله دکتری، دانشگاه آزاد واحد
علوم و تحقیقات.

قائم، محمد حسین، محمود قیطاسوند، و محمود توکلی (۱۳۸۲).